هفته نامه

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

و آنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند، محققاً آنان را به راه خویش، هدایت می کنیم و همیشه خدایار نیکوکاران است.

قرآنکریم



به خاطر رسیدن به کمال معنوی و مادی باید خیلی دقیق و سنجیده گام برداریم.

از سخنان رهبر شهید

دور ششم –سال چهاردهم – شمارهٔ سی‌ام ۹عقرب ۱۳۹۴ ۱۷ محرم الحرام ۱۴۳۷ 31 October 2015

وزیر امور خارجهٔ جمهوری ترکیه در ملاقات با وزیر امور امور خارجهٔ افغانستان

خواهان نشست سه جانبهٔ ترکیه، پاکستان و افغانستان شد



انقره – ۶ عقرب ۱۳۹۴

محترم صلاح الدین ربانی وزیر امور خارجهٔ جمهوری اسلامی افغانستان، با آقای فریدون سنیرلی اوغلو وزیر امور خارجهٔ جمهوری ترکیه در مقر وزارت امور خارجهٔ آن کشور ملاقات نمود.

ابتداء، آقای ربانی با ابراز تسلیت نسبت به وقوع حملات تروریستی اخیر در شهر انقرهٔ جمهوری ترکیه، نقش آن کشور در راستای همکاری های سیاسی، اقتصادی و امنیتی با افغانستان را مهم و ارزنده دانسته، از ادامهٔ تعهد آن کشور پس از سال ۲۰۱۶ برای افغانستان اظهار امتنان نمود.

سپس، وزیر امور خارجهٔ جمهوری ترکیه، وزیر امور خارجهٔ جمهوری اسلامی افغانستان را خوش آمدید گفته، با یاد آوری از تصمیم اخیر برخی کشورها مبنی بر تداوم حضور شان در افغانستان اظهار امیدواری کرد که ص۲

پیام بمناسبت تلفات و خسارات زلزلهٔ اخیر

سوگمندانه در پی زلزلهٔ شدیدی که چاشت روز دوشنبه ۴ عقرب بخش های زیادی از کشور و برخی از کشور های دیگر منطقه را لرزاند، شماری از هموطنان عزیز مان جان داده و شمار دیگری زخم برداشته اند. برای قربانیان این حادثه بهشت برین، به زخمی ها شفای عاجل و به بازماندگان قربانیان صبر و شکیبایی، از بارگاه ایزد متعال استدعا دارم.

امیدوارم که نهاد های مسوول در جهت کمک رسانی به آسیب دیدگان این حادثه اقدامات جدی و فوری کنند.

صلاح الدین ربانی
رئیس جمعیت اسلامی افغانستان
و وزیر امورخارجه

سفیر افغانستان در سازمان ملل اعتبارنامه اش را به رئیس آن سازمان پیشکش کرد



محمود صیقل یکی از دیپلومات های موفق، در وزارت امور خارجهٔ کشور ، بحیث سفیر افغانستان در سازمان ملل تعیین و هفتهٔ گذشته با پیشکش کردن اعتبارنامه اش به بانکی مون سرمنشی سازمان ملل متحد آغاز بکار کرد.

آقای صیقل در صفحهٔ فیسبوک اش نوشته است: وقتی اعتمادنامه ام را به عنوان سفیر کبیر و نمایندهٔ دایمی جمهوری اسلامی افغانستان در سازمان ملل متحد به آقای بانکی مون سرمنشی عمومی آن سازمان، تقدی می کردم احساس عجیبی داشتم. بار گران نمایندگی از کشوری به عظمت افغانستان و مردمان درد دیده ولی با افتخار آن در پیشگاه جامعهٔ جهانی بالای شانه هایم سنگینی می کرد. امیدوارم به لطف پروردگار، همکاری و شفقت دولتمردان، حمایت مردم عزیزم و اتفاق و همدلی همکارانم، بتوانم در انتقال این بار گران به سرمنزل مقصود مفید تمام شوم. در ملاقاتی که با آقای بانکی مون داشتم، ایشان را از تلفات جانی و مالی زلزلهٔ اخیر مطلع ساخته و خواهان همکاری های عاجل ملل متحد به آسیب دیدگان شدم. همچنان روی تحولات امنیتی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی افغانستان تبادل نظر صورت گرفت.

درحالی که تقرر آقای صیقل را در این پُست مهم برایش مبارکباد می گوییم، آرزومندی بر این است، تا در گسترش روابط با جهان و آوردن تغییرات اساسی در سیاست خارجی افغانستان، جلب اعتماد ، گام های مفید و ارزنده ای بردارد.

په سیمه کې درنه زلزله او رامنځته کړې تلفات يې



شفیق

د افغانستان، پاکستان، تاجکستان او هندوستان هیوادونه د تېرې دوشنبې په ورځ د ریکتر په کچه ۷،۷ درجې یوې درنې زلزلې ولړزول، چې په پراخه سیمه کې یې ګڼ شمېر ځاني او مالي تلفات رامنځته کړل؛ د زلزلې د کچې معلوموونکې امریکایې ادارې د زلزلې مرکز د بدخشان ولایت د جرم ولسوالۍ ښودلې خو پراخه تلفات یې په څلور واړو ذکرشوو هیوادونو کې رامنځته کړیدي.

د پاکستان په شمالي سیمو کې دغې زلزلې له نږدې درې سوو انسانانو څخه ژوند اخستی او د زرګونو په شاوخوا کې کورونه یې نړولي او په سلګونو وګړي یې ټپیان کړیدي. همدارنګه زمونږ په هیواد کې د پنجشنبې تر ماښامه د راغونډو شوو تلفاتو له مخې ۱۲۱ هیوادوالو ژوند له لاسه ورکړی او ۵۵۲ افغانان ټپیان شویدي او ۷۸۳۰ کورونه، ښوونځي او جوماتونه ویجاړ شویدي؛ او زړه سرونه څاروي هلاک شوي دي؛ چې د هیواد شمالي او شمال ختیځو سیمو د نورو سیمو په پرتله زیات ځاني او مالي تلفات لیدلي دي د لومړنیو معلوماتو له مخې په کنړ ننګرهار تخار او بدخشان ولایتونو کې د تلفاتو کچه له نورو ولایتونو څخه لوړه ده؛ څکه په کنړ کې د یو ولایتي مسوول د آزادي راډیو سره د مرکې له مخې ۴۳ تنه شهیدان او د دسلو زیات ټپیان شویدي او په بدخشان ولایت کې بیا د یو ښوونځي د زده کوونکو په ګډون پنځلس تنه او په ننګرهار کې له لس تنو زیات او تخار کې اته تنه، او کابل او نورستان کې پنځه پنځه تنه هیوادوال ۶مخ

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیئت تحریر
آدرس: کابل، کلوله پشته، سرک ۴، پهلوی شفاخانهٔ بلاسم
شمارهٔ تلفن:۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵/ ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo&hotmail.com

سرمقاله

اثرات منفی جنگ!

موضوع جنگ در افغانستان هر روز پیچیده تر می شود. گفته می شود، بعد از حادثهٔ کندز جنگ در بسیاری مناطق – در شمال، شرق و جنوب کشور- جریان پیدا کرده است. دولت جایی را به تصرف می آورد و جایی را از دست می دهد که نمونهٔ جدید آن ولسوالی های چهار درهٔ کندز و درقد تخار است. اولی طی عملیاتی بعد از دوسال بدست نیروهای دولت افتاد و بدنبال آن، دومی بدست طالبان مسلح سقوط کرد. در بسار مناطق خبر از قتل و اسارت به دست طالبان، داعش و تروریست ها می رسد.

جنگ ارزش های جامعه را به خطر انداخته است. این جنگ نه تنها دشمن آرامش، اقتصاد و زیر ساخت های کشور است، بلکه کار های روزانهٔ شهروندان را آسیب می رساند و به طور مستمر روزانه میلیون ها افغانی تجار ملی و مردم از این جنگ متضرر می گردند. نرخ ارز خارجی بخصوص دالر امریکایی در برابر پول افغانی قوس صعودی اش را می پیماید و نرخ بلند مواد اولیه بالای شانه های اکثریت مردم گرانی می کند.

نا امنی سبب شد تعدادی زیادی جوانان و نوجوانان و فامیل ها، به منظور کاریابی و زیست در مجیط امن، با وجود قبول مشکلات مسیر مسافرت شان، راهی کشورهای اروپایی گردند که برخی بدین آرزو جان می دهند و دیگران هم در نیمه راه منتظر سرنوشت بعدی اند.

این جنگ دامن کودکان را نیز گرفته است و در تعدادی از ولایات کودکان از سوی طالبان به گروگان گرفته شده و در برابر دولت استفاده می گردد. دفتر صندوق کودکان ملل متحد، استفاده از کودکان را در جنگ نگران کننده خوانده است و دفتر یونسیف نهاد مدد رسان برای کودکان، این کار را یک دغدغه برای کودکان عنوان نموده است.

در افغانستان در نتیجهٔ جنگ، دوران کودکی به زودی به پایان می رسد و بسیاری در عنفوان جوانی رنگ و بوی پیری به خود می گیرند. بسیاری کودکان و نوجوانان از حقوق طبیعی خویش که همان آموزش و پرورش و کسب مهارت های انسانی است، محروم می گردند.

تداوم جنگ و نا امنی بسیاری از فعالیت های اقتصادی و اجتماعی را به کُندی مواجه ساخته و جلو رو به رشد کار و فعالیت را از مردم گرفته، همه در یک نگرانی عمیق به سر می برند. در صورتی که جلو یک چنین جنگ های خانمان سوز گرفته نشود، و صلح تحکیم نیابد، بی تردید جامعهٔ بیمار، علیل و ناتوانی خواهیم داشت. وظیفهٔ دولت است با تدابیر سنجیده شده، بلاهای که دامنگیر اکثریت شهروندان کشور است، از سر راه دور سازد در غیر آن، این اثرات منفی جنگ، چالش های غیر قابل پیش بینی را در قبال خواهد داشت و مشکلات را مضاعف خواهد ساخت. بیایید این ضرب المثل مشهور "علاج واقعه، قبل از وقوع"! را سرمشق قرار دهیم و نگذاریم بیش از این کشور و مردم ما متضرر شوند!

اروپا و موج عظیم مهاجرت از شرق



● ابوبکر سبزوار

مسئلهٔ مهاجرت به کشور های دیگر پدیدهٔ تازه ای نیست اما موج عظیم مهاجرت که امروز اروپا با آن مواجه است، از جنگ جهانی دوم به بعد سابقه نداشته است. شاید ما بدون اینکه احساس کرده باشیم وارد جنگ سوم جهانی شده ایم.

دلیل عمدهٔ این مهاجرت ها جنگ و نا امنی است اما در این میان رسیدن به یک زندگی خوب و مرفه نیز می تواند انگیزهٔ قبول خطر حتی خطر مرگ برای رسیدن به اروپا باشد.

در سال ۲۰۰۳ امریکا به عراق حمله برد و رژیم صدام حسین را سرنگون کرد. در نا امنی های بعد از این اشغال، تعداد زیادی از عراقی ها راهی اروپا شدند. در سال ۲۰۱۱ بدنبال قیام بیداری اسلامی در کشور های عربی، تعداد زیادی از مردم از تونس به مهاجرت به سوی اروپا رو آوردند. بعد از آن سقوط معمر القذافی مسیر لیبیا راهی برای مهاجرت افریقایی تباران بسوی اروپا شد که به امید یک زندگی بهتر به این سفر پر مخاطره دست می زدند.

اما جنگ در سوریه موج عظیمی از مهاجرت را بار آورد که حتی کشور های اروپایی را نیز غافلگیر کرد. گفته می شود که در نه ماه سال ۲۰۱۴ حدود نیم میلیون نفر با عبور از مدیترانه، خود را به خاک اروپا رسانیده اند.

اکثریت این پناه جویان مسلمان اند و اروپاییان نگران حضور چنین جمعیت بزرگ مسلمان است. همین اکنون تعداد کثیری از مسلمانان اروپایی تبار در صف گروه دولت اسلامی در سوریه می جنگند. قبلاً فقط احزاب دست راستی حضور مسلمانان در کشور های اروپایی را یک چالش برای فرهنگ اروپایی می دانستند اما اکنون از زبان دولتمردان نیز همین سخنان بگوش می رسد، بعنوان مثال سلواکیا و قبرس اعلام داشتند که فقط مسیحیان سوری را می پذیرند و مسلمانان را نخواهند پذیرفت. کشور لهستان مهاجرین مسلمان را خطری برای ارزش های مسیحی خوانده است.

اما در میان پناهجویان که از آغاز سال ۲۰۱۵ خود را به اروپا رسانیده اند، بعد از سوری ها، افغان ها در مقام دوم قرار دارند. گفته می شود که تعداد افغان ها در موج اخیر مهاجرت به اروپا به ۱۲۰ هزار تن می رسد اما با توجه به اینکه همه روزه هزاران نفر تازه وارد اروپا می شوند، شاید این تعداد تا اخیر سال به ۱۵۰ هزار تن برسد. اگر مصارف سفر هریک از این افراد ده هزار دالر باشد، افغان ها تا اکنون یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون دالر صرف این سفر پر خطر کرده اند.

نا امیدی از آینده دغدغهٔ تمام افغان هایی است که کشور شان را به عزم رسیدن به اروپا ترک می کنند. همه به این باور اند وقتی بیش از ۵۰ کشور جهان نتوانستند در افغانستان امنیت و رفاه بیاورند و زمینهٔ کار را برای بیکاران فراهم نمایند، دیگر امیدی به آینده نباید داشت.

اینها نمی خواهند به خود این زحمت را بدهند که بیاندیشند هیچ کشوری توسط خارجیان از مشکلات بیرون نمی آید و چه بسا که خود خارجیان مسبب مشکلات بیشتر می شوند. این مردم خود یک کشور اند که باید کشور شانرا آباد سازند.

بعد از سال ۲۰۰۱ عده ای از افغان ها که قبلاً در خارج زندگی می کردند به افغانستان باز گشتند و با وجود اینکه اکثر آنان جز دانستن زبان خارجی آنهم بصورت ناقص، هیچ کمال دیگری نداشتند، این فرصت را بدست آوردند تا فرصت های خوب شغلی بدست آورند و بعنوان متخصص شناخته شوند در حالی که چنین فرصت برای متخصصینی که در داخل افغانستان بودند، داده نشد. اکنون بسیاری از جوانان افغان به این نتیجه رسیده اند که رفتن به خارج و زندگی در یک کشور اروپایی برای آنان پرستیژ به ارمغان می آورد و به کرسی ها وزارت و وکالت و... راه خواهند یافت!

اکثر پناهجویان افغان برای قبول شدن بعنوان پناهنده در اروپا، خود را قربانی خشونت طالبان قلمداد می کنند و مدعی اند که حداقل یکی از اعضای خانوادهٔ شان بدست طالبان کشته شده است. عده ای نیز اسناد جعلی از تهدید کتبی طالبان را جعل می نمایند تا آنرا بعنوان سندی دال بر خطر جانی در صورت ماندن در افغانستان ارائه نمایند.

بعد از جنگ کندز، این فرصت بدست آمده است تا اکثریت این پناهجویان خود را آواره های ولایت کندز قلمداد نمایند. کندز از جمله ولایاتی بود که نیروهای آلمانی سال ها در آنجا مستقر بودند.

اکنون دولت آلمان از افغان ها می خواهد که افغانستان را ترک نکنند و خود شان کشور خود را آباد سازند. وزیر داخلهٔ آلمان می گوید که افغان ها بعد از سوری ها، دومین گروه پناهجو را تشکیل می دهند و این قابل قبول نیست.

مردم کشور های غربی حق دارند از دولتمردان خود بپرسند که چرا پس از چهارده سال که غرب در افغانستان هزاران کشته داد و صد ها میلیارد دالر هزینه کرد، چرا امروز افغان ها ناامید تر از هر زمان دیگر اند و با قبول خطر مرگ، می خواهند کشور شانرا ترک کنند؟

دلیل این امر اینست که در طول چهارده سال گذشته در افغانستان کاری بنیادی برای بهبود وضع زندگی مردم صورت نگرفت. اقتصاد افغانستان در این مدت وابسته به جنگ باقی ماند و در نتیجه بعد از خروج نیروهای خارجی از این کشور، مردم دوباره با فقر و بیکاری دست به گریبان شدند.

یکی از روزنامه های آلمان نوشته است که، دولت آلمان افغان ها را به کشور شان باز خواهند گرداند اما این کار به سهولت ممکن نیست. بیرون کردن اینهمه پناهجوی افغان از اروپا که هرکدام شان پُل های پشت سر خود را خراب کرده و خود را به اروپا رسانیده اند، با موانع بزرگ مواجه خواهد شد. اما مشکل افغان های پناهجو نیز اینست که اکثریت عظیم آنان فاقد حرفه و توان کاری لازم برای جذب شدن در بازار کار اروپا اند. بنا براین با توجه به بحران اقتصادی در اروپا، برای اکثریت آنها برای مدت طولانی فقط امکان دست یابی به کار های دشوار جسمی با مزد کم میسر خواهد بود.

وزیر امور خارجهٔ جمهوری ترکیه...

هر نوع تصمیم در این مورد باید بر اساس شرایط و واقعیت های عینی افغانستان صورت گیرد. بر همین اساس ترکیه تا زمانی که حکومت و مردم افغانستان خواسته باشند، در کنار حضور داشته و بر همکاری های خویش در عرصه های مورد نیاز به دولت و مردم افغانستان ادامه خواهد داد.

همچنان، وزیر امور خارجهٔ ترکیه بر همکاری مشترک کشور های منطقه و جهان در امر مبارزه با تروریسم تأکید نموده خواهان برگزاری نشست سه جانبهٔ افغانستان، ترکیه و پاکستان برای بررسی همکاری ها در این راستا گردید.

در اخیر، وزیر امور خارجهٔ کشورمان تلاش ها برای تامین امنیت و جلوگیری از افزایش خشونت در افغانستان و منطقه را از اهدف اصلی و اساسی حکومت جمهوی اسلامی افغانستان دانسته، آمادگی کشورش را برای همکاری در این راستا با کشورهای جهان و منطقه ابراز داشت.



احزاب سیاسی، از ادعا تا عمل

■ فقیری

از ده سال به این سو قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، فعالیت احزاب سیاسی را رسماً اجازه داده و با توشیح قانون احزاب سیاسی بـه ایـن جریان رسمیت بخشیده است.

درین روز ها از اختصاص کرسی های پارلمان به احزاب سیاسی صحبت می شود و یک بار دیگر اهمیت احزاب سیاسی را نمایان و جلب توجهٔ عامـه را به آن معطوف می دارد. برخی ها احزاب سیاسی را در جامعـه مـضر مـی پندارند و شمول آن را در مراکز قدرت سیاسی نه باعث بهبودی، بلکه سـبب ضرر سیاسی و اجتماعی می دانند. دولت جمهـوری اسـلامی طبـق قـانون اساسی مکلف است تا برای رشد دیموکراسی و نشان دادن جامعهٔ ما به حیث یک جامعهٔ آزاد و مبتنی بر اصول آزادی و بـه دور از اختنـاق و سانـسور در جهت تقویت دیموکراسی عمل نماید.

دولت باید در تمام زمینه ها به صورت معقول و پسندیده و مطابق قانون به احزاب سیاسی میدان بدهد و از وسایل مختلف به نفع احـزاب سیاسـی و فعالیت های سیاسی و مشروع و قانونی به کار گیرد. دلایل منفـی مخالفـان حضور احزاب سیاسی درین چند جمله خلاصه می شود:

سابقهٔ بسیار بد: اکثر این مخالفان را کسانی تـشکیل مـی دهد که سابقهٔ بسیار بد و خونین احزاب سیاسی را شاهد بوده انـد حـزب در نظر اینها، همانا احزاب کمونیست خلق و پرچم است. که با مـدح و سـتایش رهبران این احزاب و شعار های به ظاهر تند و انقلابی و عکس های بزرگ و مبالغه ها و افراطی گری ها خلاصه می شد. بعد از مدت کوتـاهی آن رهبـر بزرگ و خلاق (تره کی) از صحنه محو می شود و یک رهبر سیاسـی دیگـر جای آن را گرفت. از آن رهبر و نابغهٔ بزرگ دیگر اثـری دیـده نمـی شـد و عکس ها و شعار های آن بکلی از بین می رفت و آن نابغـهٔ بـزرگ در ارگ نابود شد.

این داستان خونین که ننگ سیاست و احزاب سیاسی است از داوود تـا تره کی و حفیظ الله امین و ببرک و نجیب تکرار شد و ایـن خـاطره بـد از احزاب سیاسی در اذهان مردم باقی ماند. اکثر مردم از حزب سیاسی همـان سازمان های اولیه، خلق و پرچم را به یاد می آوردند و یا بی دینی و الحاد و ساز و سرود و شراب ملحدان و از خدا بی خبران را، در خاطره هـای شـان می آورند.

عدم موثریت احزاب سیاسی: آن های که به سابقهٔ بـسیار بد احزاب سیاسی اهمیت نمی دهند و به امروز و شرایطی جدید فکـر مـی کنند ولی احزاب سیاسی را دارای نقش فعال و موثر نمی دانند. اینها نیز بـه جنبه های منفی تنظیم های جهادی و سال هـای حکومـت مجاهـدین و جنگ و آشوب تحمیلی آن زمان فکر می کنند و از همـه عـزت و افتخـار سال های جهاد صرف نظر می نمایند.

تجدید نظر: اکنون زمان آن فـرا رسـیده اسـت احـزاب سیاسی که در جامعه نقش و حضور دارند و تنها در صـفحهٔ کاغـذ محـدود نیستند، باید به صورت فعال و موثر در جامعه حاضر شوند. این احزاب بایـد از طریق رسانه ها، همچنین از طریق دایـر کـردن اجتماعـات و جلـسات حضور خود را در جامعه نشان بدهند.

تشکیل هر ولایت و ولسوالی باید مشخص و اعلان شود. دفاتر احزاب حد اقل در هر ولایت باید مرجع طرفداران آن حزب باشـد و مـسوولین آن باید به صورت قانونی مطالب حامیان حزب را بـه مقامـات ولایـت مطـرح نمایند هرگاه نظم و تشکیلات حزبی در مرکز و ولایات وجود داشته باشد و در همه جلسات عمومی ولایت نماینده گان احزاب مطالب قـانونی خـود را بیان نمایند و مشکلات حامیان حزب خود را بیـان و حـل کننـد از یکـسو قدرت و نفوذ حزب ظاهر می گردد و مردم به سوی احـزاب کـشانیده مـی شوند و به محبوبیت آن اضافه می گردد.

زمانی که حزب مطابق قانون و در خدمت مردم قرار گیرد پـس همـه بد بینی ها و سابقهٔ بد را مردم فراموش می کنند و حزب سیاسی را خدمـت گزار واقعی خود می دانند و حاضر می شوند تا کرسی های پارلمـان را بـه آنان بدهنـد و یـا خواسـتار آن گردنـد فـضای سـالم سیاسـی و تطبیـق دیموکراسی و آزادی رأی و بیان بدون زور و خشونت از جلـوه هـای یـک جامعهٔ مرفه و آبرومند است. ما در آرزوی چنین جامعه ای استیم.



از دیدگاه اسلام

تفسیر آیهٔ ۳۱ سورهٔ نور (تفسیر المیزان)

ترجمه: (و به زنان با ایمان بگو چـشم از نگـاه بـه مردان اجنبی فرو بندند و فرج های خویش را حفظ کنند و زینت خویش را جز آنچه آشکار است، آشکار نسازند و باید که روپوش های شان را به گریبان ها کنند و زینت خویش را نمایان نکنند مگر بـرای شـوهران شـان، یـا پدران و یا پدر شوهران یا پسران و یا پسر شوهران و یا برادران و یا خواهر زاده گان و یا بـرادر زاده گـان و یـا زنان و یا آنچه مالک آن شده اند یـا افـراد سـفیه کـه تمایلی به زن ندارند و یا کودکانی که از اسرار زنان خبر ندارند، و مبادا پای خویش را به زمین بکوبند تا آنچه از زینت شان که پنهان است، ظاهر شود ای گروه مؤمنان همگی به سوی خدا توبه برید، شاید رستگار شوید.)

از مجموع مباحثی بر شمرده شده، به روشنی معلوم می‌شود که مراد از حجاب اسـلامی، پوشـش و حریـم قایل شدن در معاشرت زنان با مردان نامحرم در نحـوه های مختلف رفتار، مثل نحوهٔ لباس، نگاه، حرف زدن و راه رفتن است.

بنا براین، حجاب و پوشش زن نیز بـه منزلـهٔ یـک حاجب و مانع در مقابل افراد نامحرم است که قصد نفوذ و تصرف در حـریم نـاموس دیگـران را دارنـد. همیـن مفهوم منع و امتناع در ریشهٔ لغوی عفت نیز وجود دارد.

حجاب و عفت

چه بهتر است روی دو کلمهٔ »حجاب «و »عفت « نیز روشنی انداخته شود. در اصل معنای این دو کلمه، به معنی مشترک، جلوگیری و خـود داری کـردن اسـت. تفاوت بین ظاهر و باطن است؛ یعنی منع و بـازداری در حجاب مربوط به ظاهر است، ولـی منـع و بـازداری در عفت، مربوط به باطن و درون است. چون عفـت یـک حالت درونی است، ولی با توجه به این که تأثیر ظاهر بر



باطن و تأثیر باطن بر ظاهر، یکی از ویژگی‌های عمومی انسان است.

بنا براین، بین حجاب و پوشش ظاهری و عفـت و بازداری باطنی انسان، تأثیر پذیری متقابل است؛ بدیـن ترتیب که هرچه حجاب و پوشـش ظـاهری بیش‌تـر و بهتر باشد، این نوع حجاب در تقویت و پـرورش روحیـهٔ باطنی و درونی عفت، تأثیر بیش‌تری دارد.

و برعکس، هرچه عفت درونـی و بـاطنی بیش‌تـر باشد باعث حجاب و پوشش ظاهری بیش‌تر و بهـتر در مواجهه با نامحرم می‌گردد.

ادامه دارد



افزایش جمعیت و ایندهٔ نامعلوم

عبدالحق امیری

از دیر تا اکنون موضوع افزایش جمعیت و اثر آن به وضع اقتصادی و اجتماعی یک کشور مورد بحث و جدل میان علمای اقتصاد قرار داشته است. گروهی ادعا کرده اند که افزایش زیاد جمعیت بشر باعث فقر و بیچارگی بیشتر می‌گردد چه محصولات که از راه کشت و زراعت بدست می آید، نمی تواند جوابگوی نیازمندی های غذایی جمعیت زیاد باشد. گروهی دیگری استدلال کرده اند که افزایش جمعیت مردم با استفاده از علم و تکنالوژی جدید ماشین ترقی و پیشرفت را در چرخش انداخته، زمینهٔ هرچه بیشتر تقاضا و عرضه و دادوستد های اقتصادی را فراهم می سازد. جمع دیگری به این باور بوده اند که رشد جمعیت با رشد اقتصادی رابطهٔ تنگاتنگ ندارد و اثر آن در وضع اقتصادی یک کشور چندان حایز اهمیت نمی باشد.

برای اولین بار در سال ۱۷۸۹ میلادی آقای تامس رابرت مالتوس مقالهٔ علمی ای را زیر عنوان "مبادی رشد نفوس" به نشر سپرد که مشهورترین و بحث برانگیزترین مقالهٔ تحقیقی و علمی آن عصر گردیده بود. در این شهکار آقای مالتوس استدلال می کرد که افزایش روز افزون نسل بشر در نهایت باعث کاهش نرخ رشد درآمد گردیده و زمانی فرا می رسد که دیگر اراضی زراعتی و منابع طبیعی دنیا قادر نخواهد بود تا غذای مورد ضرورت جمعیت موجود را تولید کند. این نظریهٔ مالتوس که به نام "دام مالتوس" شهرت یافته بود، ادعا می نمود که استخدام نیروی کار فراوان بالای زمین زراعتی باعث افزایش محصولات می گردد لکن این افزایش در حدی نخواهد بود که بتواند تقاضای اضافی برای محصولات غذایی را پوره سازد. او حالتی را پیش بینی کرده بود که هرگاه نرخ رشد نفوس در حال افزایش باشد روزی فرا خواهد رسید که دیگر زمین توان تولید نیازمندی های بشری را نداشته باشد که در نهایت باعث ایجاد قحطی خواهد گردید.

اما جمعی زیادی از علمای متاخیر با مالتوس هم نظر نیستند. آنها به این باور اند که آقای مالتوس حین مطرح کردن نظریه اش پیشرفت علم و تکنالوژی، آنهم در سکتور زراعتی، را در نظر نگرفته بود. از جمله آقای جولیان سایمن که سال های زیادی بصفت استاد علم اقتصاد در دانشگاه ایلونای و دانشگاه مریلند امریکا ایفای وظیفه نموده بود در سال ۱۹۸۱ کتاب مشهورش بعنوان "منابع نهایی" را بدست نشر سپرد که نظریهٔ مالتوس و هم قطاران او را به چالش کشید. جولین نیروی بشری را از مهمترین منبع اقتصادی می پندارد. او همچنان ادعا کرده است که منابع طبیعی محدود نمی باشد چه کمبود منابع بستگی به قیمت آن در بازار دارد و اینکه افزایش قیمت منابع طبیعی حد اقل در امریکا در پروسهٔ تاریخ بیشتر از افزایش میزان درآمد نبوده است. او افزایش جمعیت را در دراز مدت یک چالش اقتصادی نه، بلکه یک فرصت و زمینهٔ خوبی برای رشد اقتصادی عنوان می کند. او می گوید تعداد بیشتر مردم در جامعه باعث افزایش آیده های بکر و تازه، ابتکار و نو آوری بیشتر، رشد سریع علم و تکنالوژی، بلند رفتن قدرت تولید و ظرفیت کاری نیروی بشری می گردد که در نهایت باعث



رشد اقتصادی و بلند رفتن معیار زندگی می گردد.

جولیان با استفاده از تجارب گذشته، به ویژه از کشورهای غنی غربی ادعا دارد که پیشرفت تکنالوژی و علم نه تنها باعث افزایش محصولات زراعتی گردیده است، بلکه میزان رشد اقتصادی را نیز بلند برده و در کاهش مجموعی جمعیت در درازمدت مفید واقع گردیده است. با بلند رفتن میزان درآمد و ارتقای معیار زندگی هزینهٔ تربیه و پرورش طفل نیز بلند می رود که در نتیجه فامیل های مرفه و با درآمد بالا، کودکان کمتر به دنیا می آورند.

بطور مثال حد اوسط نرخ رشد جمعیت در اروپا در سال های ۱۹۱۳ الی ۲۰۱۲ به ۰.۴ درصد تخمین گردیده است. به اساس محاسبات ملل متحد نرخ افزایش نفوس در سطح دنیا به ۰.۴ درصد در سال ۲۰۳۰ و ۰.۱ درصد در سال ۲۰۷۰ تخمین شده است. اگر این محاسبه درست باشد در اخیر سدهٔ جاری میزان رشد نفوس دنیا بسیار اندک و غیر قابل ملاخظه خواهد بود. علت این کاهش را آقای جولیان سایمن و هم فکران او پیشرفت اقتصادی و بلند رفتن معیار زندگی می پندارند. اما اگر به این استدلال دّقت صورت گیرد، درمی یابیم که افزایش جمعیت هنگامی مشکل پنداشته نمی شود که در دراز مدت از یکطرف با پیشرفت علم و تکنالوژی و وسایل تولیدی مدرن همنوا باشد و از سوی دیگر خط نزولی را تعقیب کند.

اما در کشور ما که از دهه های متمادی به اینطرف هر فامیل نیم تا یک درجن طفل بدنیا می آورد آنهم در حالتی که نه از استخدام تکنالوژی جدید خبری است و نه از رشد تحقیقات علمی برای بلند بردن محصولات زراعتی و تولیدات داخلی اثری است، افزایش مستمر نرخ بلند نفوس (۲.۴٪) در درازمدت موجب نگرانی می باشد. تعداد نفوس کشور در سال ۱۹۷۹ به ۱۵.۵ میلیون نفر تخمین گردیده بود. در سال های گذشته نفوس کشور دو برابر افزایش یافته است. یک فامیل پنج نفره که سی سال قبل ده جریب زمین را کشت می کرد و از آن مایحتاج زندگی خانواده اش را فراهم می ساخت در سال ۲۰۱۵ همان فامیل به پنج فامیل شش و هفت نفره تبدیل شده است. این در حالیست که مساحت زمین زراعتی فامیل همان ده جریب می باشد که به قطعات خُرد تقسیم و در میان افراد خانواده توزیع گردیده است. اگر این وضعیت ادامه پیدا کند جمعیت کشور در سی سال آینده به ۶۴ میلیون خواهد رسید. به هیچ صورت نمی توان توقع داشت که زراعت کشور در حدی ارتقا یابد که بتواند برای اینقدر مردم مواد خوراکه تدارک نماید.

در شرایط کنونی کمتر از شش درصد مجموع کارگران کشور در سکتور صنعتی اشتغال دارند. در حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد در سکتور خدماتی اشتغال دارند که اکثریت آنان را ماموران دولتی تشکیل می دهد و ۷۵ دصد دیگر در سکتور زراعتی اشتغال دارند. در حالی که آتش جنگ ویرانگر شعله ور، و اقتصاد جرمی و غیر قانونی در حال رشد می باشد، بیکاری و بیچارگی در افزایش می باشد، سرمایه ای که در ده سال گذشته از برکت جامعهٔ جهانی اندوخته شده است در حال فرار از کشور است. از سرمایه گذاری های اقتصادی، برنامه های عملی اشتغال زا، بازار یابی و پروژه های افزایش تولیدات زراعتی با استفاده از تکنالوژی مدرن درکی نیست، و از برنامه های تعلیمی و تربیوی مدرن برای نسل جوان نیز خبری نیست، افزایش لجام گسیختهٔ نفوس کشور تنها باعث فقر و در بدری بیشتر می گردد که آیندهٔ کشور را در خطر جدی قرار می دهد. آیا سیاست‌مداران و زمام داران کشور به این نکته توجه کرده اند و یا اینکه می خواهند افغانستان فابریکهٔ تولید مزدورکار برای کشورهای منطقه باقی بماند؟

واکنش ها در مورد...

با هر وسیلهٔ ممکنه می خواهند خود را به آن سرزمین برسانند.

تعدادی هم مهاجران سیاسی اند که از ترس مرگ خود را به دروازه های این کشور ها می رسانند تا بتوانند راهی این کشور ها گردند. اما موج مهاجرت در افغانستان در حکومت وحدت ملی از سر گرفته شد و صد ها هزار جوان، پیر و طفل بعد از فروش منازل و دارایی های خود راهی کشور های دور و نزدیک گردیدند.

در صورتی که یک تعداد مهاجران از کشور ها اروپایی، به ویژه آلمان، دوباره به افغانستان رجعت داده شوند، در حقیقت به تعداد بیکاران و فقراء در کشور افزوده خواهد شد، زیرا آنها دارایی های خود را فروخته اند، تا خود را به اروپا برسانند، اما برگشت آنها با دست خالی بر اقتصاد این خانواده ها ضربهٔ سختی وارد خواهد کرد و این خانواده ها را در یک بحران اقتصادی قرار خواهد داد.

دلیل دیگری که افغان ها تشویق می نماید تا کشور را ترک نمایند، علاقهٔ آنها به تحصیل و آموزش مهارت های مسلکی و فنی است؛ زیرا آنها به چشم سر طی چهارده سال دیدند کسانی از امریکا و اروپا به کشور آمده اند، تمام چوکی های پر در آمد دولت را تصاحب نموده و از ریاست گرفته تا وزارت و ریاست جهموری در اختیار آنها قرار دارد. امروز تحصیل کرده های غربی و امریکایی مورد احترام دولت مداران ما قرار دارد و این اروپایی پذیری در ردهٔ حکومت داری، جوانان را تشویق می کند تا آنها نیز در آینده رنگ و بوی امریکایی و اروپایی داشته باشند، تا خود را آمادهٔ ریاست، وزارت، مشاوریت و وکالت در افغانستان سازند.

تا زمانی که یک چنین انگیزه در افغانستان وجود داشته باشد، این مهاجرت ها نیز جریان خواهد داشت و با وجود همه دشواری و خطرات جانی، آنها حاضر نیستند این راه پر مخاطره را ترک نمایند.

په ظاهر په باطن سپین سپېڅلي

■ ژباړه او لیکنه: اجرالدین اقبال

خدایه څه شول هغه ښکلي ښکلي خلک
په ظاهر په باطن سپین سپېڅلي خلک
(رحمان بابا)

د هېواد پر روڼ اندو لازمه ده، چې خپلې فرهنګي زېرمې راوسپړي او د وخت د شرایطو، غوښتنو او اندیزې ودې په اندول یې وڅېړي، وځلوي او په داسې ادبیاتو یې بیان کړي چې د نوي کهول د زړه راکښونې لامل شي. موږ دلته د رحمان بابا پورته شعر د یو دین پېژاندي د پوهېدنو په رڼا کې څېړو.

"دلته په یوې زړه پورې وېینې لاس پورې کوو، چې نوي کهول تـه یـې ورزده کـړه سـمه برېښي. د دیـن د وجـود او منځپانګې، ذاتیاتو او عرضیاتو، زنې او پوټکي، ظواهرو او بواطنو په هکله یې رڼا اچوو او په پای کې یادوو، چې باید دواړه یې له پامه و نه غورځول شي او له دینه خپلې پوهېدنې او عمل کول داسې پرې پیل کړو، چې دواړه راونغاړي.

باید پر دین تقلیدي او په پټو سترګو باور او ګروهه و نه لرو، او داسې نه وي چې دین یوازې د اُخروي ثواب لپاره خپل کړو. او داسې هم نه اوسو چې د دین پوټکی له زنې یې و نه پېژنو او پوه نه شو چې ظرف او لوښی کوم دی او مظروف کوم یو دی، ذات کوم یو دی او عرض کوم یو دی، پوټکی کوم دی؛ بلکې دیندار روڼ اندی آګاهانه پوهېږي، چې په دین کې څه ولټوي او څه ترې وغواړي او لـه دې بازاره څه وپېري، چې په نورو ځایونو او پلورځایونو کې نه موندل‌کېږي.

اوس مطلب ته د ورننډې کېدو لپاره د لاندې مقولاتو په توضیح لګیا کېږو.

(الف) د دین وجود او منځپانګه: په پیل کې په دین کې منځپـانګېزې چارې لـه وجودي چارو بېلولای شو. د دین په ټولنپیژاندي مفهوم کې ټولنپیژاندی، د دین پر وجود، عیـني، تـاریخي او بهرنـي وجـود بوختـېږي نـه پـر ماهیـت، منځپانګه او دننني مضمون یې عارفان یا متکلمان څېړي، غـور او ځیرنـه پکـې کـوي؛ خـو دیـن یـوازې پـه خپلـې نـړه منځپـانګېزې بڼې کـې نـه را لنډېږي. کوم پېغمبر، چې دیـن راوړي؛ نو د بشریت تـاریخ تـه یـې ورو‌راندې کوي او کله چې دین په ټولنیز او تاریخي بهیر کې وررولوېد یا د اروابناد علي شریعتي په تعبیر کله چې دا مظروف پـه یـو ځـانګړي ظرف او لوښـي کـې وبهېـد؛ نـو ډول ډول حـالات او عـوارض ورسـره مخېږي، چې دا د چا د سیسه نه ده؛ بلکې دین د خپل طبیعت او د بهرني او تاریخي وجود په پار، د بلې هرې ښکارندې په څېر پر ځانګړي اکر - حال اختـه کېږي. د روح او بدن بېلګه راوړو. انسان له روح او بدنه جوړ دی؛ خو موږ نړه راټول شوي روحونه نه یو. روح مو، دلته د بدن په چوکاټ کې ژوند کوي او بدنونه مو د نورو له ارواحو سره د تماس وزله ده، او لـه همدې امله پر حـالاتو او عوارضـو اختـه کـېږو، کـه نـړه ارواح وای؛ نـو دا عوارض او حالات مو نه پیدا کول پرښتي نه یو، مجردات هم نه یو، ملکوتي موجودات نه یو؛ سمه ده چې لـه ملکوتـه راغلي او د ملکوتي بڼ مارغان یو؛ خو څو ورځې یې له بدنه پنجره راجوړه کړې ده:

ما چو کشتیها به هم بر می زنیم
تیره چشمیم و در آب روشنیم
(مثنوي)

نو د ړومبی وېشنې له مخې په دین کې یو بدن لرو او یو روح او روح تل د بدن جامې اغوندي، چې د انسانانو په تاریخ کې وبهېږي او پـه بـل تعبـیر، د دیـن منځپانګـه لـرو او وجـود یـې. د دیـن ټولنپېژندنې د دین بهرنـي وجود تـه ورپـام دی؛ خـو علـم کـلام او عرفـان د دیـن منځپـانګې او د هغـه روح پیغـام تـه ورپـام دی چې د پېغمبر او شارح له لوري خلکو ته ورسېدلی دی.

(ب) د دین ذاتیات او عرضیات: دویمه ویشنه د دین د ذاتي او عرضي چارو ویشنه ده. هر پېغمبر چې راځي لـه ځان سره معارف او ښووني راوړي. دا معارف ناچار په ځانګړي زماني لوښي کـې او د جغرافیـا، ټولـنې او ځـانګړي فرهنـګ لـه چاپېریـال سـره مناسب خلکو تـه ورو‌راندې کـېږي. لـه همدې امله که پېغمبران پـه بېلابېلـو چاپېریـالونو کـې مبعـوث شـي، پـر پیغـام یـې ډول ډول رنګونـه کېـني. د دیـن ذاتـي چارې هغـه ګڼـو، چـې پېغمـبر پـه هـر چاپېریال کې مبعوث شي؛ نو هرومرو او بالضروره یې راوړي او پـه دین کې عرضي چارې هغه بولو، چې چاپېریال، زمـاني، تـاریخي او فرهنګي شرایط یې غوښتنه کوي، چې د پېغمبر پیغـام او د پیغـام د ابلاغ طریقه ورسره همغږې شي. له عرضي چارو د ذاتي چارو بېلونـه یـو سـتونزمن چـار او پـه عیـن حـال کـې ډېر لازمـي دی او د دیـن د پوهېدو پـه اړه ډېری سـتونزې او زړه ورتوبونـه، همدې چـار تـه ور اجـاع کـېږي. لکـه د اسـلام پېغمـبر (ص) پـه عربـي چاپېریـال کـې مبعوث شو او د وحي ژبه یې عربي وه. د قـرآن د ژبې عربي تـوب د دین له عرضي چارو څخه دی، نـه لـه ذاتـي. پېغمبر(ص) عـرب و، د وحي چاپېریال عربي و او شاوخوا یې پـه عربي ژبې خبرې کولې. هرومرو دې زماني او مکاني ځانګړنو د پېغمبر پر پیغام خپـل رنـګ وواهـه او عربـي ټولـنې تـه ورو‌رانـدې شـو. ډېرې نـورې چـارې هـم موندای شئ چې همدا ځانګړنې لري. کـه څـوک پـه دقیقـه او ژوره څېړنه او منطقي جراحی. د دین ذاتي اړخونه لـه عرضـي اړخونو جلا کړای شي، د دین د زنې پـه موندو کـې بـه ډېره بریـا ترلاسـه کـړي. د بېلګې په توګه په لنډو وایم، د دین په تـاریخ کـې ډېری تـېر څېړونـه عرضي ول او له همدې امله پر تاریخي پېښو ډېری شخړې مو د دیـن له کړی. وتلې او په ډېری مواردو کې هسې پـه هسـې، کـم پـایلې، یـا بې پایلې دي. د دین په تاریخ کې ډېرې پېښې چارې، کېدای شوې راپېښې نشي دا د دیـن ذاتـي او لازمې چارې نه وې، چـې پلانـی راشي، پلانی خبره وکړي یا پلاني کـړه وړه وکـړي او پلانـی قـدرت ترلاسه کړي، پلانی څنډې ته کړي او پـه خپلـه یـې ځاینـاستی شي او په څېر یې.

دا چارې هم پېښېدای شوې او هم پېښېدای نه شوې، کـه څـه پـه دې پېښو پوهېدل، د دیـن پـه پوهېدو کـې لاسنیوی راسره کـوي - ځکه د هر شریعت تاریخ د شریعت یوه برخه او ننداړتون دی او باید ژورو پوهېدو ته یې تاریخ ته مراجعت وکړو؛ بلکـې تـاریخ د ګروهـو د ازمېښت ډګر دی - سره له دې د تاریخ پـه ډګـر کـې دومـره بـالعرض چارې پېښېږي، چې وربـاندې بوختېدنـه، شخړه کول او ډېر اهمیت ورکونه مو له دیني معرفت او اندنې لرې کوي او باید دې چارته دیـن پوهـان او هغـوی چـې پـه رښتیا ځـان پـر دیـن پوهـول غـواړي او هـم هغـوی چـې د مـسلمینو د یووالـي غوښـتونکي وي، کـافي پـاملرنـه ولري. موږ هله په مسلمانانو کې یو مطلوب، عالمانه او څېړندویز وحدت ته ور رسېدای شو چې د خپل شریعت له تاریخه بیا ځلي تفسیر راوړاندې کړو. او دا وحدت زېږی تفسیر باید داسې وي، جې په قوت او دقیقي جراجی. ذاتي چارې له عرضي چارو بېلې کړای شي.

نو په لنډو پـه دیـن کـې ماهوي او منځپـانګېزې چارې هغـه پیغامونه دي، چې پېغمبر هر ځای راغلی وای، پـه هـر چاپېریـال او هره زمانه کې، هرومرو او ناچار یې ابلاغولې؛ خو عرضي چارې هغـه دي چـې د فرهنګـي، چاپېریـالیز، ټولـنیز او تـاریخي غوښتنو له اړخ د پیغام د ابلاغ پر طریقه او ډول اغېز پرې باسي او ځـانګړی فرهنګـي، ټولنـیز او چاپېریـالیز رنـګ او بـوي ورکوي، داسې که پېغمبر پـه بل چاپېریال کې راښکاره شوی و؛ نو د پیغام د ابلاغ ډول یې توپیر کاوه.

(ج) د دین زنې او پوټکی: د شریعت او دیني معرفت په چار کې دربیمنی جلا والی د زنې او پوټکي بېلتون دی. که موږ په خپل تېر فرهنګ کې د ماهیت او وجود ترمنځ جلاوالی نـه وینو یا لږې اشارې ورته وینو او که ذاتي او عرضي بېلتـون ډېر لږ وینو؛ نو پر ځای یې د زنې او پوټکي بېلتون خورا ډاګیز وینو؛ بلکې له آره دا مانا کړن او څرګندنه - تعبیر او اصطلاح مو د عارفانو او حکیمانو له فرهنګه اخستې ده او کوم دوستان مو چې له بډا فرهنګ سره اشنایي لـري پوهېږي چې عارفـان مـو تـر کوم بریده دې جلاوالي ته پابند ول او څومره یې خپل قضاوتونه او ان خپل دیني عمل پرې پیلاوه. د ایراني متکلم شیخ محمود شبستري مشهور شعر مو خبرې ته سریزه کېدای شي:

شریعت پوست، مغز آمد حقیقت
میان این و آن باشد طریقت
ولی تا با خودی زنهار، زنهار
عبارات شریعت را نگه دار

حقیقت ته یې ماغزه یا زنې وایه او شریعت ته پوټکی. دا یو ډېر مهم او کارسازی تفکیک او جلا والی دی او زموږ د فرهنګ په تاریخ کې یې ډېر عملي اغېز درلودلی دی او زموږ دینوال یې په دوو مقابلو اړخونو ویشلي او داسې شخړه او سیالي یې را ولاړه کړې چې اوس هم شته او لمبې یې لا ناستې نه دي.

یوې ډلې ځان "اهل مغز یا زنې والا" ګڼل او دوی عموما عارفـان او صـوفیان ول او خپـل مقابـل لـوري یعنـې فقهـا یـې "پوټکي والا" بلل او ګروهن ول چې له دینه د یوې ډلې برخمنې قشري او سرسري ده او ځینو پوټکی څیرې کړی؛ مغز او زنې تـه ورسېدلي دي او ورزیاتوله یې - او دا ډېره حساسـه زیاتونـه ده - دا چې له پوټکي څخه زنې او مغز تـه وررسېدلي؛ نو مـستغني شوي دي. او پـایلې تـه د رسـېدو پـه پار یـې، لـه سریزې فراغت موندلی دی.

نو پـوښ پلـوري او پـوښ پېژانـدي مـو درلـودل او هـم مغز پلـوري او مغـز پېژانـدي. هغـوی چـې ځانونـه یـې مغـزو تـه وررسېدلي ګڼل، کله یې فقهاوو تـه پـه ټیټه کتل او پېغور یې ورکاوه؛ په دې مانا چې دوی یې د کم ارزښته څیز (یعنې شرایع او احکامو) پاسوالان ګڼل، چې شرایع او احکام د دین نچوړ او د دیـن ګـرد حقیقت وړانـدې کـوي او خپـل پېرونکـي د دیـن د رښتونې پوهې په ترلاسه کولو کې بې برخې کوي. شک نشته چې په پیل کې په زنې او پوټکي ویشنه، یوه ارزښتي وېشنه وه لکه د مېوو په ویش کې چې زنې او پوستکي تـه قایـل یو. او تـر مغـزو پوټکـی کـم ارزښـته بولـو، دوی هـم پـه ویـشنه کـې مغـز ارزښتمن باله او پوټکی کم ارزښته، او له پوټکي د مغز ځارول یې عین بې عقلي او دین نه پوهېدنه ګڼله شرایع، احکام، د عباداتو او معاملاتو ظاهري آداب پوټکی و او حقایق، کمالات او هغه احوال چې وګړی یې باید ددې پوټکي له لارې تر لاسه او له سرېزو په تېرېدو پایلو ته ورسي؛ نو دا مغز او زنې و.

لـه پېغمـبر اکـرم (ص) یـې روایتولـه: *"الشریعة أقوالی و الطریقة أفعالی و الحقیقة أحوالی"* او کله یې دا تیورې ډاګیزه ویله که حقایق څرګند شي؛ نو شرایع باطلېږي:

"اذ اظهرت الحقایق، بطلت الشرایع" او یو شمېر خلکو همدا ویل او په ډاګه یې له مخې چلېدل. د شیخ عطار پـه تذکره الاولیا، د مولوي جلال الدین بلخي په مثنوي، د ابونصر سراج طوسي په قشیریه و اللمع رساله او د صوفیانو په نورو کتابونو کې چې د ځینو صوفیانو داستانونه راغلي، ټول پر همدې مانا ګواهي ورکوي. د بایزید قصه، چې د مثنوي په دویم دفتر کې راغلې، یوه له همدې قصو څنې ده. بایزید حج ته روان و، چې په لار کې له کوم ښاره تېرېده؛ نو د پیر او مرشد پوښتنه ګروېکنه بـه یې کوله په یو ښار کې یې پیر وروښود، ورغی، پیر ورتـه وویل چېرې ځې؟

۷ مخ

چالش در روابط اسلام اباد - کابل و بیطرفی واشنگتن

وحید مژده

در چهارده سال گذشته روابط میان افغانستان و پاکستان فراز و نشیب های زیادی را تجربه کرده است. دلیل این امر نیز اینست، در حالیکه مقامات افغان پاکستان را بزرگترین دشمن می دانند، در عین حال از این دشمن تقاضا دارند تا صلح و ثبات را به افغانستان باز گرداند.

سیاست افغانستان درگیر چنین تناقضی آشکار است و به همین دلیل گاهی ما شاهد گرمی روابط حتی تا حد امضای قرارداد استخباراتی با پاکستان هستیم و زمانی هم مقامات دولتی ما بصراحت می گویند که پاکستان همسایهٔ غیرقابل اعتماد است. از یک طرف از اسلام آباد تقاضا داریم تا طالبان را به میز مذاکره حاضر نماید واز طرف دیگر ادعا داریم که ده جنرال پاکستانی در کنار طالبان، جنگ کندز را از داخل شفاخانهٔ دکتوران بدون سرحد در آن شهر رهبری می کردند.

بزرگترین امید در این اواخر این بود که در سفر نوازشریف به امریکا، باراک اوباما با جدیت از وی بخواهد تا در پروسهٔ صلح افغانستان سهم فعال بگیرد اما نتایج این سفر به هیچ صورت نمی تواند انتظارات دولت افغانستان را برآورده سازد. به نظر می رسد که امریکا ترجیح می دهد در این رابطه سیاست بی طرفی را دنبال نماید.

قبل از سفر نوازشریف به واشنگتن و در شرایطی که دولت افغانستان پاکستان را متهم به دخالت در جنگ کندز نمود، مقامات پاکستانی اعلام نمودند حاضر اند تا در مذاکرات صلح میان دولت افغانستان و طالبان بار دیگر وساطت نموده و دور سوم مذاکرات را سرپرستی نماید. این اعلام آمادگی رسمی در شرایطی صورت گرفت که رسانه های افغانستان بصورت مستمر پاکستان را به لشکرکشی به شمال افغانستان متهم می نمودند.

اعلام آمادگی پاکستان به این دلیل صورت گرفت که مسئلهٔ افغانستان در اجندای مذاکرات میان نوازشریف و اوباما قرار داشت و نوازشریف می خواست از این اعلان بعنوان یک سند از حسن نیت در قبال افغانستان در مذاکرات خود با اوباما استفاده نماید. همزمان با این اعلام آمادگی، رسانه های پاکستانی سخنان عبدالمنان نیازی یکی از طالبان ناراضی را به نشر سپردند که گفته بود بخشی از طالبان خواهان کناره گیری اختر محمد منصور از رهبری طالبان اند.

هدف از تکرار این مخالفت توسط نیازی این بود تا نوازشریف مخالفت در صف طالبان را بعنوان بهانه ای برای تعویق مذاکرات صلح میان دولت افغانستان و طالبان عنوان نماید و به امریکا بگوید که ما در این مورد حسن نیت داریم اما در شرایط فعلی اختلاف در صف طالبان مانع مذاکرات است.

رسانه های پاکستانی گزارش دادند که در جریان مذاکرات نوازشریف و اوباما، سه سند دخالت سازمان استخباراتی هندوستان در نا امنی های پاکستان به مقامات امریکایی تحویل داده شد. گفته می شود که این اسناد نمایانگر دخالت مقامات استخباراتی هند از طریق افغانستان در امور پاکستان است. یعنی این دیگران اند که از تروریست ها حمایت می کنند نه ما.

قبل از سفر نوازشریف به امریکا، رضوان اختر رئیس آی اس آی از واشنگتن دیدار داشت و در مورد عملیات نیروهای پاکستانی در وزیرستان به مقامات امریکایی معلومات داد. در جریان دیدار رئیس جمهور اوباما و نوازشریف، اوباما از عملیات ضد تروریستی که تحت نام (ضرب عضب) ادامه دارد ابراز خُرسندی نمود و پاکستان را متحد نزدیک امریکا در منطقه خواند.

نوازشریف در سخنرانی در یک مرکز تحقیقات استراتژیک در رابطه با صلح در افغانستان گفت که، پاکستان نمی تواند هم طالبان افغان را بکُشد و هم از آنها بخواهد تا با دولت افغانستان مذاکراه نمایند. این سخن وی در جواب این خواست افغانستان است که از پاکستان می خواهد تا مراکز طالبان افغان را در داخل خاک پاکستان هدف قرار دهد. وی در ضمن گفت که طالبان افغان مناطق وسیعی در داخل خاک افغانستان را تحت کنترول دارند نیازی به استفاده از خاک پاکستان ندارند.

در حقیقت نوازشریف با این سخنان خود دولت افغانستان را بر سر انتخاب یکی از دو گزینه قرار می دهد؛ کابل باید تصمیم بگیرد که می خواهد با طالبان بجنگد و یا با آنها صلح نماید. راه سومی که جنگ و صلح همزمان باشد، وجود ندارد. اما باید گفت که مخاطب نوازشریف تنها افغانستان نیست، بلکه وی تلویحاً همین پیام را به امریکا نیز دارد که تصمیم دارد تعدادی از نیروهایش را بعد از سال ۲۰۱۶ هم در افغانستان نگه دارد.

قرار است بعد از بازگشت نوازشریف به پاکستان، راحیل شریف لوی درستیز پاکستان به امریکا سفر نموده و با مقامات امریکایی در بارهٔ اوضاع منطقه به بحث بپردازد. اینکه یک جنرال پاکستانی قبل از سفر نوازشریف و دیگری بعد از وی به امریکا مسافرت می کنند نشان می دهد که حرف های پشت پرده با نظامیان و سخنان دیپلوماتیک با نوازشریف گفته می شود.

از جانب دیگر در حملهٔ مردان مسلح به یک پاسگاه در مرز میان افغانستان و پاکستان، هفت سرباز پاکستانی کشته شده اند. پاکستانی ها مدعی اند که این حمله از خاک افغانستان صورت گرفته است. با این تحولات، رابطه میان اسلام آباد و کابل از آغاز بمیان آمدن دولت وحدت ملی در افغانستان تا اکنون سرد ترین فضا را تجربه می کند.

سفر نوازشریف به واشنگتن در شرایطی صورت گرفت که هیولای اتحاد شوروی یکبار دیگر در لباس فدراسیون روسیه در برابر غرب قامت برافراشته و وضع در جهان بسرعت در حال تغییر است. در چنین شرایطی به نظر نمی رسد که امریکا بخواهد پاکستان را بخاطر افغانستان زیر فشار قرار دهد، بلکه تلاش می نماید تا اسلام آباد را راضی نگه دارد. در این سفر قرار شد تا امریکا هشت طیارهٔ جنگی از نوع اف ۱۶ به پاکستان بفروشد. فروش این طیارات قبلاً به تعویق افتاده بود و اینکه اکنون این معامله نهایی می شود نشان از توجهٔ امریکا به پاکستان دارد.

په سیمه کې درنه زلزله...

شهیدان شویدي او ډېر هغه کورونه نړیدلي چې کچه آبادۍ وې او په کابل کې د قصبې نوې جوړې شوې آبادۍ هم متضررې شویدي.

د بدخشان له کشم ولسوالۍ څخه آزادۍ راډیو ته د یو تلفون کوونکي د معلوماتو له مخې په لسګونو ښوونځي او د درې سوو په شاوخوا کې کورونه او درې بابه جوماتونه هم ویجاړ شویدي. په پاکستان کې د دغه هیواد صدراعظم نوازشریف له امریکې څخه د راستنیدو سره سم (چې د افغانستان او پاکستان اړوند استراتیژیکو مسایلو په باب له اوباما سره د لیدنې لپاره تللی وو) د زلزلې د تلفاتو او رامینځته شوو ویجاړیو په اړه په خپله لومړنۍ وینا کې اړوند مسوولین خپلو دندو ته متوجه کړل او افغان ولسمشر اشرف غني هم اړوندو ادارو ته پدې هکله لازم هدایات ورکړل؛ چې د طبیعي حوادثو سره د مبارزې لپاره د دولت وزیر ویس برمک او هم محمد اسماعیل کاووسي د تیاریو ښودلو او لازمو اقداماتو د ترسره کولو څرګندونې کړیدي. د امریکا او هند هیوادونو افغانستان ته د مرستې ډاډ ورکړي دی او هم د ملګرو ملتونو سازمان سرمنشي خپلو اړوندو ادارو ته د تیاریو نیولو لارښوونه کړیده.

د زلزلې دغه طبیعي پېښه، چې داسابو په دنیا کې خپل جغرافیوي عوامل لري خو د اسلامي معتقداتو له مخې د یوې ټولنې د وګړو د ګناهونو ترجماني هم کوي؛ چې دې ته ورته زلزلې د هیواد په شمال؛ بدخشان او بغلان ولایتونو کې څو کاله مخکې هم رامینځته شوې وې او هم د هیواد په ځینو مرکزي ولایتونو لکه بامیانو او وردګو کې یې هم څو کلونه وړاندې تلفات اړولي وو مګر د ساحې له مخې ډېرې پراخې نه وې او دا ځل چې له یوې خوا د ساحې له مخې پراخه او د ریکټر د کچې له مخې هم د پورته اندازې زلزله وه، ښایې د تلفاتو شمېره یې نوره هم لوړه شي؛ ځکه په افغانستان کې د طبیعي پېښو په وړاندې د مبارزې له ادارې پرته داسې بله کومه اداره نشته چې دقیق ارقام په لنډ وخت کې را ټول کړای شي او یا د پېښو له واقع کېدو د مخه د تلفاتو د مخنیوي لپاره لازم اقدامات وکولای شي.

د افغانستان غرنی جغرافیوي موقعیت او په ګڼو ولایتونو کې د ژمي په موسم کې د سړې هوا او ډېرو ورښتونو لامله زلزلې ته ورته نورې طبیعي پېښې، لکه: ډېرو ورښتونو لامله د سیلابونو راوتل، د سړکونو او لیارو شلیدل او د غرونو ښوئیدل وخت ناوخته پېښږي، چې ددې زلزلې سره هم د بدخشان په یوه ولسوالۍ کې یو غر له خپل ځایه څخه ښوئیدلی او کېدای شي د نږدې کلي خلکو ته ځاني او مالي تاوانونه واړوي؛ لکه چې دوه کلونه وړاندې هم په بدخشان کې دغسې یوه پېښه رامینځته شوې وه او هم د څو لسیزو جګړو لامله د پیاوړي مرکزي حاکمیت د نه شتون لامله ډېرې داسې نوې آبادۍ رامینځته شویدي چې د سیلابونو طبیعي سیرونه بندوي او پر ځای یې بیا سیلابونه د نورو آبادیو په ځایونو مخه کوي لکه چې داسې پېښه څلور کلونه وړاندې د جلال آباد جنوب لورې ته د ببېز او یوولسمې ویالې په سیمو کې د ګڼو کورونو د وړلو او مالي او ځاني تلفاتو لامل ګرځیدلی وه.

اوس مهال چې د ژمي موسم هم راروان دی او دورښتونو لامله ښایې یو ځل بیا د غرنیو سیمو اوسیدونکي هیوادوال د ورته طبیعي پېښو سره مخ شي، پکار ده چې د دولت د طبیعي پېښو په وړاندې د مبارزې اداره سر له اوسه د احتمالي طبیعي پېښو په وړاندې د پېښو له واقع کېدو د مخه لازم تدابیر ونیسي او ځینو هغو سیمو ته لومړني غذایي توکي او د سرپټولو وسایل لکه خیمې، ترپالونه او د اړتیا وړ نور توکي ولیږدوي. مګر له بده مرغه څو ورځې وړاندې د ملګرو ملتونو په چوکاټ کې د دا ډول پېښو په نتیجه کې د رامنیځته کېدونکو پایلو په وړاندې اړوندې ادارې خپل عجز پدې سره څرګند کړی دی چې د څه د پاسه یو لک په شاوخوا وګړو لپاره اړینو توکو پروخت ولایتونو ته د لیږدولو توان سږ کال نلري. نو ځکه دولت ته لازمه ده چې د امریکا او هندوستان هیوادونو لخوا د مرستې رسولو په اړه ډاډ ورکولو څخه ګټه پورته کړي، خو د دې سره سره باید لازمې مرستې هم د پاکو انسانانو په لاسونو وویشل شي؛ ځکه ډېر ځلې دولت د مرستندویه هیوادونو احسان پرځان ومنې خو تر سره شوې مرستې بیا د اړو خلکو پر ځای د ځینو اشخاصو جیبونو ته ځي او په نړۍ کې د اداري فساد د مخکښو هیوادونو په لست کې دوهم لمبر مقام د افغان دولت ولس لپاره لا تراوسه یو تور داغ دی، خو الله جل جلاله دې دغه ولس د پاکو، زړه سواندو او د هیواد اسلامي او ملي ارزښتونو ته ژمنو انسانانو په لاس د اداره کولو نعمت څخه برخمن کړي او دغه ربړیدلی ولس دې د نورو الهي پېزوینو سر مل، پدې ډګر کې هم پیزوینه باندې ونازوي او نور دې مونږ الله تعالی د اداري فساد له تور نوم څخه خلاص کړي.

بی برنامه گی در...

نفوذ نمایند، به همان تناسب آنها در افغانستان و سایر مناطق دیگر تشویق خواهند گردید تا مناطقی را در اختیار داشته باشند و به سرباز گیری از میان مردم بپردازند.

قضیهٔ صلح یک امر اسلامی و دینی ما است و در صورتی که طرف مقابل به صلح تن در ندهد، فرمان قرآن است که با آنها به نبرد پرداخته شود و مسالهٔ صلح و مصالحه جادهٔ یکطرفه نیست.

در مصالحه هردو طرف متخاصم منافع خود را در آن باید دریابند در حالی که یک چنین چارچوب که مخالفان دولت به آن اعتماد داشته باشند، وجود ندارد و در نبود یک بستر اعتماد و چارچوب منطقی نمی توان سال ها خود را با این واژه ها فریب داد. جای دارد دولت همان گونه که دست آورد های بزرگ در این اواخر داشته است، مناطق مهم استراتیژیک را از اختیار طالبان و مخالفان خارج سازد و دولت در آینده جریان هرنوع مذاکره را اشراف و مدیریت نماید، نه چهره های متضاد و استفاده جو که هیچ مفادی در این راستا نخواهد داشت.

پرله پسې نا امنۍ او پايلې يې

■ رفيق بحر

له کومې ورځې راهیسې چې د ملي وحدت په نوم ګډ حکومت رامینځته شویدی او پر سبا یې له امریکې سره داسې امنیتي تړون لاسلیک کړی چې له ګټې څخه یې زیانونه ډېر دي؛ (ځکه ورسره سم د وسله والو مخالفینو لپاره د جګړې پر مخ بېولو انګیزه ډیره شوې ده) نو ورسره سم د ناامنیو کچه او د طالبانو او وسله والو مخالفینو عملیات ډېر شوي دي او د هیواد په ګڼو ولایتونو کې اوس ولسوالۍ هم د دوی په لاسونو کې لویږي او ورځخه ځانونه ته وسلې او بېلابېل جنګي مهمات لاسته راوړي.

د کندز ولایت د وسله والو مخالفینو پر لاس د پریوتو د مخه یې د فارياب، سرپل، جوزجان او بادغيس ولايتونو کې ځينې ولسوالۍ لکه قيسار، المار، کوهستانات او ... لومړی کلابند او بیا ونیول او ورپسې سم یې په بدخشان کې وردوج او کندز او تخار کې امام صیب، دشت ارچې، قلعه زال او ینګي قلعه ولسوالۍ او د بغلان ډنډغوري ولسوالۍ یا نا امنه کړې او یایې ونیولې او هم ورته حالت په کندهار، هلمند، زابل او غزني کې دی؛ چې د موسی قلعه، نوزاد او سنګین ولسوالیو له نیول کېدو وروسته چې دولت یې پر خلاف عملیات وکړل، طالبان یې یو څه په شا کړل خو لاتر اوسه پدغو ولسواليو د طالبانو بشپړ یا نیمایې کنترول قایم دی. او په تېره اونۍ کې خبرونه خپاره شول چې په لشکرګاه باندې وسله والو مخالفینو سخت بریدونه پیل کړي دی؛ تردې چې د پولسیو څلورمه او د ملي اردو اتمه حوزه د طالبانو لاسونو کې دي او هره شېبه یې د سقوط وېره ده او په ځانګړې توګه د سنګین ولسوالۍ مظلوم ولس د کلونو راهیسې او د کندهار او هلمند ګڼو ولسوالیو وګړي چې ډېر زیات یې له خپلو ځایونو بېځایه شویدي د دولت او طالبانو دواړو لوریو لخوا ځورول کیږي. او هم ورته وضع د غزني په ده چوپان او د وردګو په ګڼو ولسوالیو کې حاکمه ده؛ له میدان شهر څخه پرته پاتې نږدې ټولې ولسوالۍ د طالبانو په ولقه کې دي او د لوګر په ولایت کې د ازرې او خروار ولسوالۍ خو له مودو راهیسې د طالبانو په کنترول کې وې، چې یواځې ازره د ولسي مقاومت په پایله کې د طالبانو څخه خلاصه شوه خو پر ځای یې اوس د پل علم او بره کي برک ولسواليو کې هم طالبانو نفوذ کړیدی او د لوګر د ۳۰۲ بابه ښوونځیو څخه یې دا مهال د انجونو د ۳۲ بابه ښوونځیو دروازې تړلې دي، چې پکې اته مدرسې دوه دارالحفاظونه او اته لیسې هم شاملې دي او د انجونو یو ښوونځي په بشپړه توګه سوځول شوی هم دی.

دا عمل پداسې وخت کې ترسره کیږي چې د طالبانو مشر اختر محمد منصور په خپل یو غږیز پیغام کې له طالبانو غوښتي دي؛ چې باید عامه المنفعه تاسیسات ویجاړ نکړای شي او هم د ملکي وګړو له ځورولو څخه ډډه وکړای شي. او په ننګرهار ولایت کې بیا د داعش جنګیالیو نوې ډلې چې د تورخم په امتداد د پاخه سړک ښي خواته پرتو ولسوالیو لکه اچین، کوټ، سپین غر، نازیان، هسکې مینې، غني خیلو او چپرهار ولسوالیو سربېره په بټي کوټ او لالپوره کې هم نفوذ کړی، په دولت باندې د ولسي فشار وروسته دولت د ولسي مقاومت په نوم یو څه عملیات ترسره کړل او دغه جنګیالي یې تر څه بریده په شا کړل او ورته یې (د دولت د ادعاء له مخې) مالي او ځاني تلفات هم اړولي دي خو لا تراوسه وخت ناوخته د سیمې د خلکو ژوند ګواښي او د یادو شوو ولسوالیو څخه د یو نیم لک په شاوخوا کې بېځایه شوو وګړو مستقبل لا هماغسې نامعلوم دی.

او همداسې د کندز د خلکو وضعیت هم دی؛ ځکه که څه هم ځینې وګړي او کورنۍ بېرته کندز ته ستانه شوي دي خو د ډاډمن امنیت د نه شتون لامله اکثره خلک خپلو ځایونو ته د بېرته ستنیدو لپاره زړه نه کوي؛ د دشت ارچې ولسوالۍ د دولت په لاس راغی او په تخار کې یې د درقد ولسوالي طالبان نیولې ده، چې لامله یې په هیواد کې د بېځایه شوو خلکو شمیره او له هیواد څخه دوتونکو ځوانانو شمېره ورځ تر بلې ډیریږي او د اروپا په لورې د ځوانانو او کورنیو د تګ د ډېرښت لامله دادی اوس جرمني او ځینو نورو هیوادونو پریکړه وکړه چې افغان کډوال به بېرته خپل هیواد ته لېږدوي؛ پداسې حال کې چې په هیواد کې اقتصادي وضعیت ډېر خراب شوی او کارونه نه پیدا کیږي، او دا چې د مهاجروتونو عمده لاملونه هم نا امنۍ او بد اقتصادي حالت دی نو افغانان یې د خپل مستقبل په اړه ناهیلي کړي دي.

د روسیې لخوا د داعش جنګیالیو په اړه د وېرې پیداکېدو لامله اوس دا خبرونه هم خپریږي؛ چې روسیه د طالبانو سره د داعش د ځپلو لپاره اړیکې ټینګې کړې دي؛ پداسې حال کې چې افغان دولت هم له روسیې څخه مرسته غوښتې ده خو روسیه هم ښایي په افغان دولت د بې اعتمادۍ لامله نن دې ته اړه شوي دي چې د دولت د مخالفینو سره د داعش ځپلو لپاره اړیکې ټینګې کړي.

أيا په لغمان ولايت کې به سږ کال د کوکنارو کښت صفر شي؟

■ عبدالقيوم ريحان

دا چې په خیتځو سیمو کې د کوکنارو د کښت موسم را رسیدلی دی. په همدې حال کې د لغمان ولایتي اداره، امنیتي او اړونده چارواکي وایي، چې په لغمان ولایت کې به هیچاته د دې اجازه ورنکړي چې دا ناروا او حرام بوټی وکري. د دوې په خبره چې سږ کال د یوه پلان له مخې غواړي چې د کوکنارو د مخنیوي په برخه کې کار وکړي او هغه امتیاز چې د نشه یې توکو پروړاندې د مبارزې وزارت له لورې هغه ولایتونو ته ورکول کیږي چې په هغې ولایت کې دکوکنارو کښت کم او یا هم صفر وي لغمان ولایت ورڅخه برخمن کړي.

خو په ورته وخت کې د لغمان ګڼ اوسیدونکي وایي چې چارواکي دې ښارته نږدې سیمو کې دکوکنارو د کښت دمخنیوي ترڅنګ په هغو لرو پرتو ولسوالیو کې هم د کوکنارو د کرلو مخنیوی وکړي، چې د یوشمېر بزګرانو له لورې کرل کیږي.

دوې وایي که ولایتي اداره او اړونده چارواکي غواړي چې په لغمان ولایت کې د کوکنارو د کرلو مخه ونیول شي نو باید مخکې تر مخکې خپل تدابیر ونیسئ او په سیمه کې بزګرانو ته د غلودانو، سبزیجاتو او حبوباتو اصلاح شوي تخمونه ورکړئ تر څو بزګران د کوکنارو پرځای روا او ګټور بوټي وکري.

د لغمان ولایت د الینګار ولسوالۍ د کندې د سیمې یو تن بزګر ناصر خان وایي: د لغمان په ډیرو کمو سیمو کې کوکنار کرل کیږي. (مونږ هم پرې خوښ نه یو حرام بوټی دی پیسې یې هم بې برکته او حرامې دي او څوک چې د دې کار اوبار کوي دا هم ناروا کار دی.)

نوموړی په بزګرانو غږ کوي چې په خپلو ځمکو کې روا بوټي غنم، جوار، وریجې او داسې نور وکري ترڅو ټولو هیوادوالو ته یې ګټه ورسیږي. ناصرخان له حکومت او دیني علمای کرامو څخه غواړي ترڅو د بزګرانو او هیوادوالو له پاره د عامه پوهاوي پرګرامونه په لاره واچوئ تر څو خلک د کوکنارو په اضرارو پوه شي.

نوموړی زیاتوي چې داخل باید ولایتي اداره او اړونده چارواکي په جدي ډول د کوکنارو د مخنیوي کمپاین په لاره واچوي او ترهغه وخته خپلې مبارزې ته دوام ورکړئ ترڅو د لغمان ټولې لرې پرتې سیمې له دې ناروا بوټي څخه پاکې شوې نه وي.

د لغمان والي عبدالجبار نعیمي په همدې اړه په هغه لویه جوړه شوې غونډه کې و ویل: موږ هوډ لرو ترڅو د لغمان په هغو لرو پرتو سیمو کې چې په ډیرې کمې اندازې سره کوکنار کرل کیږي د هغوې مخنیوی وکړو. (په لغمان کې باید د ولس په همکارې سږ کال د کوکنارو کښت صفر او امتیاز ترلاسه کړو.) چې په دې سره به نه یوازې د لغمان ولس د دې ناروا او بې کاره بوټي له زیان څخه خلاص شي بلکې لغمان ولایت ته به د مرکزي حکومت پام را زیات شي او هغه بلاعوضه مرسته چې د نشئې توکو پر وړاندې د مبارزې وزارت له لورې ترسره کیږي لغمان ورڅخه برخمن، دټولګټو او د بیارغونې په پروژو کې به په مصرف ورسیږي.

له بلې خوا په دغه جوړه شوې غونډه کې د مرکز او ولسوالیو په کچه دیني علماو، قومي مشرانو او ځوانانو د لغمان د ولایتي ادارې د دغه هوډ د ملاتړ ترڅنګ ژمن شول چې مونږ به د اړونده چارواکو سره یوځای د دې ناروا بوټي د مخنیوي په برخه کې مبارزه وکړو. دوې وایې چې مونږ به هم په خپلو ځمکو کې ناروا کښت ونه کړو او بل چاته به هم د دې اجازه ورنکړو. دوې همدا راز په حکومتي چارواکو غږ کوي چې په ټول هیواد او خصوصاً په لغمان ولایت کې د نشئې توکو د کارو باریانو مخه ونیسي ځکه چې په اوس وخت کې د افغانستان له پاره نشئې توکي یو ستر ګواښ دی.

د لغمان ولایت د نشئې توکو پر وړاندې د مبارزې رئیس عبیدالله کاروان هم د کوکنارو د مخنیوي په هکله وویل: سږ کال مونږ او ولایتي ادارې، اراده کړې چې د ولس په همکارې د لغمان په پنځه ګوونو ولسوالیو کې د کوکنارو د کښت مخنیوی وکړو.

یو شمېر کارپوهان په دې اند دي چې د یوه هیواد وګړې د ډیرو لاملونو له مخې نشې ته مخه کوي چې یو لامل یې همدا د نشئې توکو کښت او د همدې توکو کاروبار دی.

په ظاهر په...

ویې ویل: حج ته و یې ویل: څومره پیسې لرې؟ ویې ویل: یو مقدار مې د چپنې په پیسکې پورې تړلې دي

گفت دارم از درم نقره دویست
نک ببسته سخت بر گوشه دریست
گفت طوفی کن بگردم هفت بار
وین نکوتر از طواف حج شمار

ویې ویل: لازم نه دي چې مکې ته ولاړ شې، را نه وچورله که په مکه کې ابراهیم (ع) د ډبرو او خټو کور جوړ کړی او د خدای کور دی؛ نو زما زړه هم د خدای کور دی؛ خو توپیر یې دا دی:

تا بکرد آن خانه را در وی نرفت
واندرین خانه بجز آن حی نرفت

خدای له کله چې دا کور جوړ کړی یو ځل هم ندی ورغلی؛ خو هیڅ وخت یې زما د زړه کور پرېښی نه دی، تل په دې کور کې دی؛ نو ډاډه، طواف وکړه او تر حج یې غوره وګڼه

حق آن حقی که جانت دیده است
که مرا بر بیت خود بگزیده است
کعبه هرچندی که خانهٔ بر اوست
خلقت من نیز خانهٔ سر اوست
تا بکرد آن خانه را در وی نرفت
واندرین خانه بجز آن حی نرفت
چون مرا دیدی خدا را دیده‌ای
گرد کعبه صدق بر گردیده‌ای
خدمت من طاعت و حمد خداست
تا نپنداری که حق از من جداست
چشم نیکو باز کن در من نگر
تا ببینی نور حق اندر بشر
بایزید آن نکته‌ها را هوش داشت
همچو زرین حلقه‌اش در گوش

همدا کار یې وکړ او خپل حج یې وباله.

له صوفیانو داسې داستانونه نقل شوي چې کله حج ته نه تلل او چې به وپوښتل وشول ولې، ویل یې، د کعبې خونه مو لیدو او زیارت ته راځې. په دې خبرو کې شته کبر ته پاملرنه مه کوئ، کومه فلسفه چې پکې پرته ده ورپام کړئ دې ته پاملرنه وکړئ چې څوک ځان دومره د حقیقت له حریم سره نښتې وبولې چې د شریعت د احکامو له لاروی مړه خوا توب خپل کړي او دا مازې دینداري وګڼي. مولوي د قرآن د حافظانو په لړوالي کې اوریدوني خبرې لري، وايي؛

در صحابه کم بدی حافظ کسی
گرچه شوقی بود جانشان را بسی
(مثنوی)

د پېغمبراکرم (ص) په اصحابو کې د قرآن حافظان لږ ول په راروسته کهول کې د قرآن حافظان ول. روسته یې علت څرګندوي او دلیل یې په ګوتو کوي وایي دلیل یې دا و، چې د قرآن حفظ او پر ظاهري آدابو یې بوختېدل، پر پوټکي بوختېدا وه او څوک چې د قرآن په مغز، زړې، باطن او مانا بوخت دی، پر پوټکي د بوختېدو څه پروا نه لري:

زانک چون مغزش در آگند و رسید
پوستها شد بس رقیق و واکفید
(مثنوي)

کله چې زړی او مغز څربه او غوښن شي؛ نو پوټکی نری کېږي او ورپسې لاندې مشهور ټکي وایي:

حاصل اندر وصل چون افتاد مرد
گشت دلاله به پیش مرد سرد
چون به مطلوبت رسیدی ای ملیح
شد طلب کاری علم اکنون قبیح
چون شدی بر بامهای آسمان
سرد باشد جست وجوی نردبان
جز برای یاری و تعلیم غیر
سرد باشد راه خیر از بعد خیر
آینه روشن که شد صاف و ملی
جهل باشد بر نهادن صیقلی
پیش سلطان خوش نشسته در قبول
زشت باشد جستن نامه و رسول

ادامه لری

هفته نامه
مجاهد
و آنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند، محققاً آنان را به راه خویش، هدایت می کنیم و همیشه خدایار نیکوکاران است.
قرآنکریم
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا و اندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا و مواضع جمعیت نیست.

شعار ما
رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست.

دور ششم –سال چهاردهم – شمارۀ سی‌ام ۹عقرب ۱۳۹۴ ۱۷ محرم الحرام ۱۴۳۷ 31 October 2015

واکنش ها در مورد اخراج پناهجویان افغان از آلمان



○ تکساری

امید به زنده گی بهتر بسیاری از افغان ها را طی دست کم نیم قرن اخیر از خانه و کاشانۀ شان به دور ساخته است. مهاجرت های غیر قانونی در نتیجۀ جنگ، اشغال، عدم حاکمیت قانون و نبود آیندۀ روشن طی سال جاری شتاب بیشتر یافته است. جریان مهاجرت بسیاری از جوانان تحصیل کرده و آمادۀ خدمت، کشور را ترک کردند و این کوچ کشی به سوی کشور های غربی جریان دارد و نتیجۀ این مهاجرت ها هرچه بوده باشد، یکنوع بی اعتمادی به کار آمدی دولت را نشان می دهد تا جوانان امیدی به آینده نداشته و در صدد گریز از افغانستان باشند.

طی روز های اخیر کشور آلمان قرار است هزاران مهاجر افغانستانی را از این کشور خارج سازند و این حرکت کشور آلمان اعتراض مجلس سنای افغانستان را به دنبال داشته است و این مجلس تاکید ورزیده است که آلمان حق اخراج مهاجران را از کشور خود ندارند و این حرکت آلمان را مجلس سنا یک تصمیم نا سنجیده عنوان نمود.

وزیر مهاجرین گفته است که به کشور های میزبان در تماس است، تا این مهاجران را بپذیرند و از کشور آلمان خواسته است تا در تصمیم خود تجدید نظر نماید و مجلس سنا اعتراض خود را به سفارت آلمان در کابل تسلیم نموده است تا از اخراج جبری از مهاجران از آلمان جلوگیری نماید.

صدراعظم آلمان صدها مهاجر، به شمول مهاجران افغانستانی را به کشور خود فرا خوانده است. اکنون بعد از بررسی اسناد مهاجران هزاران مهاجر پاکستانی و افغانستانی را قرار است از این کشور خارج سازد. بعد از آنکه کشور آلمان برای جهانیان؛ به ویژه کشور های که در جغرافیای جنگ زنده گی می کنند وعدۀ ۸۰۰ هزار مهاجر را در خاک خود وعده داده بود، موجی از پناهجویان از کشور های عرب خلیج به شمول سوریه، عراق، یمن، ایران، افغانستان، پاکستان، بنگله دیش و دیگر کشور ها از راه های غیر قانونی خود را به مرز های اروپا رسانیدند و بعد از رنج های فراوان و تلفات سنگین تعدادی خود را از طریق بالقان، یونان و اتریش به آلمان، سویس، فرانسه و دیگر مناطق جهان رسانیدند که برزگ ترین موج پناهجویی بعد از جنگ جهانی دوم در جهان می باشد.

مهاجرت در افغانستان در نیمۀ قرن بیستم آغاز گردید و تا اکنون این مهاجرت جریان دارد. هرکس رسیدن به اروپا را برای خود بهشت موعود می خواند. در این روز ها طوری که دیده شد یک زن ۱۰۵ سالۀ افغانستانی با پسر ۶۷ ساله و نوادۀ ۱۹ ساله، خود را به کلواشیا رسانید و در سخنانی گفت که می خواهد اخیر عمر خود را به آسوده گی سپری نماید.

مهاجران افغانستانی همه اش از بد روزگار، فقر و تهیدستی مهاجرت نه نموده اند. تعدادی زنده گی در کشور های اروپایی را نسبت به افغانستان ترجیح می دهند. امروز کسانی که از افغانستان خارج گردیده اند، دست مایۀ کلانی را در این راه به مصرف رسانیده اند. انسان های تهیدست و بی سرپناه هرگز قادر نسیتند تا خود را به دروازه های اروپا نزدیک سازند.

تعدادی از مهاجران ما در کشور های همسایه از شدت فقر و بیکاری پناه جُسته اند و به مجرد بهبود وضع اقتصادی شان آن کشور ها را به هدف کشور های سرمایه داری ترک می کنند. تعدادی وجود دارند که در کشور های اروپایی و سرمایه داری درس خوانده و به آن سرزمین دل بسته اند و ص۴

بی‌برنامه‌گی در صلح!

□ هارون

طوریکه دیده می شود در این اواخر نهادی بنام شورای عالی صلح از خود کدام فعالیت چشم گیری انجام نداده، حتا در موضوع صلح نظر واحد ندارند. سرپرست این شورا اعتراف نموده است که فعالیت های این شورا به کُندی مواجه است و جامعۀ جهانی دیگر به آن نه تنها اعتماد ندارد، بلکه در جهت صلح و ثبات افغانستان با این شورا هماهنگی ندارد.

گفته می شود تعدادی چهره های این شورا نظر یکسان در مورد صلح ندارند. در این شورا چند دسته گی وجود دارد. تعدادی در داخل شورا امارات اسلامی می گویند و تعدادی هم جمهوری اسلامی که نبود تفاهم را در میان آنها نشان می دهد.

طی چهارده سال گذشته و قبل از آن برنامۀ صلح در افغانستان یک حرکت سیاسی و سمبولیک بوده و سیاسیون کشور در مقاطع مختلف از واژه های صلح سراسری، وحدت ملی و هم اکنون اجماع ملی و آجندای ملی و سایر واژه ها استفاده می کنند. سرپرست شورای عالی صلح در شرایطی از بی برنامه گی این شورا سخن می گوید که منشی شورای امنیت ملی از یک جنگ دوامدار در کشور هشدار می دهد.

در این روز ها حکومت وحدت ملی برای خود لحن تُند اختیار کرده است. به گفتۀ این مقام عالی رتبه، طرف مقابل آماده گی به صلح ندارد. طوری که دیده می شود هردو طرف متخاصم آماده گی برای جنگ دارند. مشاور امنیت ملی هشدار می دهد که داعش، القاعده و طالبان در تلاش پایگاه های دایمی در کشور اند و به گفتۀ وی افغانستان را خطری جدی تهدید می کند.

سقوط شهر کندز برای چند روز، جنگ در مرکز هلمند و میمنه و سقوط ولسوالی های استراتیژیک از یک خطر جدی حکایه می کند. به گفتۀ وی، باید کشور های آسیای مرکزی به شمول روسیه، چین و کشور های جنوب و شرق در این ارزیابی ما را کمک نماید؛ زیرا القاعده و طالبان پس از خروج نیرو های خارجی از افغانستان، به این کشور باز گشته اند و در تلاش اند تا سرزمین های زیادی را در اختیار بگیرند.

پس از سال ۲۰۱۱ و ۲۰۱۳م نیرو ها و شبکه های آدم کش، افغان ها را تهدید به مرگ می نماید. تمام تلاش های شورای عالی صلح و حکومت وحدت ملی مذاکره این دولت با طالبان به میزبانی پاکستان بوده است که بعد از مرگ ملاعمر این جریان به پایان رسیده است.

اکنون جای دارد که پول و تشکیل این شورا در بخش های دیگر به مصرف برسد. تا زمانی که دولت موفقیت و پیروزی های خود را در میدان های نبرد به اثبات نرساند، مخالفان دولت حاضر به گفتگو نخواهند گردید. امروز وظیفۀ دولت است تا مراکز تجمع مخالفان و گروه های دهشت افگن را در ولایات بدخشان، فاریاب، ننگرهار، هلمند و سایر مناطق از بین بردارد.

هرقدر داعش و القاعده در سرزمین های خاور میانه و کشور های افریقایی و آسیایی ص۶

مردم در انتظار جزئیات رخدادهای قندوز اند!

■ عنایت



پس از حادثۀ خونبار سقوط قندوز بدست گروه های تروریستی در ماه میزان سال جاری، رئیس جمهور کمیسیونی را موظف نمود تا در مورد این حادثه تحقیق نمایند. کمیسیون حقیقت‌یاب کار خود را شروع نمود و نتایج آن را به رئیس جمهور در یک جلسه شریک ساختند.

یافت های این کمیسیون نشان می دهد که شهر قندز در اثر غفلت وظیفوی و سهل انگاری مقامات امنیتی سقوط کرده است. امرالله صالح رئیس مشترک این کمیسیون اظهار امیدواری نمود که یافت های آنان بتواند تغییراتی را در پالیسی های دولتی، وارد نماید. وی که با رسانه ها صحبت می کرد افزود، یافت های آنان نشان می دهد که قندز در نتیجۀ سوء مدیریت در حکومت محلی، فضای بی اعتمادی، پالیسی های غیر ملی و مردمی سقوط کرده است.

هنوز جزئیات بیشتر از یافت های این کمیسیون نشر نشده است، اما شواهد و قرائن نشان می دهد که این کمیسیون به یافت های تازه و حیران کننده دست یافته اند که به دلایلی تا هنوز افشا نشده است.

در گذشته رسم برآن بود، پس از هر حادثه‌یی رئیس جمهور یک کمیسیون را موظف نماید تا در مورد آن رخداد تحقیق کنند. اما با گذشت زمان از نتایج کار آنان به مردم گزارش ارائه نمی شد. اما این بار امرالله صالح گفته است که از نظر وی کارکرد و ماهیت کمیسیون حقیقت یاب ولایت قندز در تاریخ کمیسیون سازی های افغانستان متفاوت می‌باشد. وی تأکید کرده است که با قاطعیت از آنچه در قندز رخ داده است پرده برداشته و تمام جوانب ذی دخل را در اشغال قندز شناسایی نموده است.

به گفتۀ اعضای این کمیسیون، تعداد کسانی که متهم به سهل انگاری وظیفوی بوده اند نیز بازداشت شده اند. اعضای کمیسیون مطابق یک تقسیم اوقات منظم کارهای خود را شروع کردند. در ابتدا این کمیسیون به جمع آوری اسناد از منابع مختلف پرداختند و سپس به محل حوادث و پوسته های امنیتی رفته گزارش خود را مستند سازی، تحلیل و تجزیه نموده به رئیس جمهور شریک ساختند. گفته هایی هم وجود داشت که سقوط قندز در اثر یک توطیۀ مشترک بوده است اما دیده شود در نهایت، کمیسیون حقیقت یاب و ارگ چی خواهند گفت؟!